

آن سوی پبحره

برگزیده یکصد داستان کوتاه از ایران و جهان

به کوشش

محمد مهدی خسروی

سرشناسه	: خسرویان، محمد مهدی، ۱۳۵۷ - گردآورنده
عنوان و نام پدیدآور	: آن سوی پنجره : برگزیده یکصد داستان کوتاه از ایران و جهان / به کوشش محمد مهدی خسرویان.
مشخصات نشر	: تهران: سبز رایان گستر، ۱۳۹۱.
مشخصات ظاهری	: ۱۴۷ص: ۱۴/۵×۲۱/۵ س.م.
شابک	: 978-600-6031-91-0
وضعیت فهرست نویسی	: فیا
عنوان دیگر	: برگزیده یکصد داستان کوتاه از ایران و جهان.
موضوع	: داستان‌های کوتاه -- مجموعه‌ها
موضوع	: داستان‌های کوتاه فارسی -- مجموعه‌ها
موضوع	: داستان‌های آموزنده
رده بندی تیره	: ۱۳۹۱ / ۸۱۵ / ۱PZ
رده بنادر دیویی	: ۸۰۸/۸۳۱
شماره کتابخانه ملی	: ۲۸۶۸۳۳۹

انتشارات سبز رایان گستر

ناشر: سبز رایان گستر

گردآورنده: محمد مهدی خسرویان

عنوان: آن سوی پنجره ؛ برگزیده یکصد داستان کوتاه از ایران و جهان

چاپ : اول

تیراژ: ۱۰۰۰

چاپ و صحافی : البرز

سال چاپ: ۱۳۹۱

قیمت: ۶۰۰۰۰ ریال

شابک: 978-600-6031-91-0

فهرست مطالب

۹	پیشگفتار.....
۱۲	مانعی در مسیر.....
۱۳	پندی از سقراط حکیم.....
۱۴	مرد گمشده در جزیره.....
۱۵	و برادر و یک نجار.....
۱۷	تغییر.....
۱۸	سه درس از یک دیوانه.....
۲۰	خودکشی.....
۲۱	حزین و مرد نمازگزار.....
۲۲	کمرنگ.....
۲۲	پزشک زایمه شناس.....
۲۴	مدیریت جانب.....
۲۵	جواب دندانشکر.....
۲۶	گاهی باید نشنید.....
۲۷	ما چقدر فقیر هستیم!.....
۲۸	داستانی از ناپلئون.....
۳۰	زنگ تفریح.....
۳۱	رستوران مبتکر.....
۳۱	قدرت لبخند.....
۳۳	دلقک.....
۳۴	نگاهی به درون خود.....
۳۵	زندگی همین است.....
۳۷	عتیقه فروش.....
۳۸	هوشمندانه سؤال کنید.....
۳۹	هیچ مانعی را باور نکن.....
۴۰	قدرشناسی.....

۴۱	چنگیزخان مغول و شاهین پرنده.....
۴۳	هیزم
۴۴	داستان‌هایی کوتاه از زندگی پیامبر(ص)
۴۸	دل عزرائیل برای چه کسانی سوخته است؟.....
۵۰	لذت بینایی.....
۵۱	زنی در فرودگاه
۵۳	جنایتکار و میوه فروش.....
۵۵	برادر.....
۵۷	چهره زشت نفرت.....
۵۸	ساده‌ترین جواب
۵۹	سجش
۶۰	موشر و دوستان بی تفاوت.....
۶۰	نامه پیرزب به خدا.....
۶۲	الاغ مرده
۶۳	دختر زیبا و خواستگار
۶۶	دانه‌ای که سپیدار بود.....
۶۷	زهر و غسل
۶۸	بازدید از بیمارستان روانی
۶۸	تفاوت نگاه با نگاه.....
۶۹	قهرمان شدن فقط با یک فن.....
۷۱	وعده
۷۱	حقه روز امتحان
۷۳	پسر بچه شرور.....
۷۴	عابد و ابلیس.....
۷۶	آزمایش جالب
۷۷	شاهزاده و دختران
۷۹	راننده تاکسی
۷۹	هیچوقت زود قضاوت نکن
۸۱	چهار سخنی که زاهد را تکان داد

- ۸۲ راز زوج خوشبخت
 ۸۳ دو روز مانده به پایان جهان
 ۸۵ خانم زیبا و فرشته
 ۸۶ نیکی ها به ما باز می گردند
 ۸۸ تاجر میمون و مردم طماع
 ۸۹ مداد
 ۹۱ ایمان
 ۹۲ سه پند لقمان به پسرش
 ۹۳ راز خوشبختی
 ۹۵ آهنگی که روحش را وقف خدا کرده بود
 ۹۶ حجب و پوشش شائسی!
 ۹۸ چوپان و راننده تاکسی
 ۹۸ بیمارستان
 ۱۰۱ لنگه کفش
 ۱۰۱ پسر شیخ عرب
 ۱۰۲ موش و بار آهن
 ۱۰۳ صبحانه
 ۱۰۴ معلم، سیب و توت فرنگی
 ۱۰۶ الاغ و امید
 ۱۰۶ همیشه عقاب باشید نه مرغابی!
 ۱۰۹ شک
 ۱۱ کلامی با خداوند
 ۱۱۴ گنجشک و خدا
 ۱۱۵ قوز پشت
 ۱۱ کلنگ
 ۱۱۷ کلاه
 ۱۱۸ اعتماد به نفس
 ۱۲۰ علم بهتر است یا ثروت؟
 ۱۲۴ آسانسور

۱۲۵	چه کشکی؟ چه پشمنی؟
۱۲۶	سئوال شاگرد
۱۲۷	قلب زیبا
۱۲۹	دسته گل
۱۳۰	عاقبت زرنگی
۱۳۱	بدشانشی
۱۳۲	علم یا...
۱۳۳	دو چرخه
۱۳۴	عرءون و شیطان
۱۳۵	اسب اصیل یا فرد اصیل
۱۳۶	درد مائین
۱۳۸	قانون بازگشت
۱۳۹	پسر مهربان
۱۴۰	آرزوی بزرگ
۱۴۱	دو کوزه
۱۴۲	سگه ای در خیابان
۱۴۳	دام های شیطان
۱۴۵	منابع و مآخذ

بنام خداوند جان و خرد

گفتی غزل بگو چه بگویم؟ مجال کو؟
شیرین من، برای غزل شور و حال کو؟
پر می‌زند دلم به هوای غزل، ولی
گیرم هوای پر زدنم هست، بال کو؟
«قیصر امین پور»

بیشگفتار

سال‌ها پیش، وقتی که شور و شوق وادی شعر و ادب
پارسی را سفته خویش کرد و در پی کسب اندک دانشی و
البته به هوا نواهی دل راهی کلاس‌های درس دانشکده ادبیات
دانشگاه تهران شدم، هنوز از داستان و داستان‌پردازی چیز
زیادی نمی‌دانستم. گر داستان‌نویسی جسته و گریخته از دوران
کودکی و دبستان، که دو مایی هم چند تاریک و روشن از
آن هنوز هم در لایه‌های پیرا و پنهان ذهنم و در هاله‌ای از
ابهام و فراموشی جای گرفته است. آید زمان گذشت و
دست تقدیر مرا پای کلاس درس «قیصر شعر ایران» کشانید و
با آن همه شور و اشتیاق مسئله‌آموز درس استاد قیصر امین
پور "شدم.

آن روزها امین پور که تازه از مرحله دفاع پایان نامه دکتری
خویش رها شده بود، با فراغ خاطر و شور و هیجانی
توصیف‌ناپذیر به تدریس ادبیات معاصر نشر مشغول بود و
من نیز اولین زمزمه‌های نقد داستان‌های کوتاه معاصر را از

کلاس‌های درس او آموختم و خوشه‌چین خرمن دانش قیصر شدم. استاد با چشمانی نافذ و گرم و با کمال حوصله و متانت به بازگویی و بازخوانی داستان‌هایی همچون «چرند و پرند»، «گیله مرد»، «گلدسته‌ها و فلک»، «خسی در میقات»، «ماهی و جفتش» و «داش آکل» و... می‌پرداخت.

«همه اهل شیراز می‌دانستند که داش آکل و کاکارستم سایه یکا. یکر را با تیر می‌زدند...»

آری؛ این اولین جمله از داستان غم‌انگیز داش آکل بود که سادریان قهر امین پور در کلاس درس آن روزگار به بررسی و تحلیل آن پرداخته بود... و کسی چه می‌دانست که بازی شوم روزگار دستان غم‌انگیزتر از داش آکل برای او رقم خواهد زد.

گفتگو، شخصیه‌ها، تیپ‌ک، عناصر داستان، صحنه-پردازی در داستان، دانای سر داستان و غیره همه و همه موضوعات قابل بحث و تأملی بود که در کلاس‌های درس استاد از آن یاد می‌شد و شیرینی رجزآینت مباحث مطرح شده تا حدی بود که حتی پس از اتمام کلاس درس نیز همچنان حلقه گرم دانشجویان شمع وجود استاد را احاطه می‌نمود و سؤال‌ها و نکته‌های دانشجویان تمامی ندانسته‌ها، اما افسوس و صد افسوس که «ناگهان چقدر زود دیر می‌شد» و شد آنچه نباید می‌شد؛ قیصر شعر ایران به ابدیت پیوست و دوستان خود را در غمی جانکاه فرو برد، گویی خود بر این نکته واقف بود که:

حرف‌های ما هنوز ناتمام؛
تا نگاه می‌کنی وقت رفتن است
باز هم همان حکایت همیشگی!
پیش از آنکه با خبر شوی
لحظه عزیمت تو ناگزیر می‌شود...

داستان‌ها، پنجره‌ای به جهان هستی‌اند که از قاب شیشه‌ای
آن می‌توان به جهان به گونه‌ای دیگر نگریست. زندگی ما
انسان‌ها نیز در حقیقت داستانی است کوتاه یا بلند که محمل
تجربه‌های تلخ و شیرین بسیاری است که سرانجام با گذشت
زمان دست‌آوردت، ارتگر روزگار آخرین برگ دفتر آن را به باد
خواهد داد و غرسا به احوال کسانی که داستان زندگی‌شان
پایان خوشی داشته باشد.

در مجموعهٔ پیش رو، قصد داستان کوتاه از ایران و
سایر کشورهای جهان گردآوری شده و در پایان هر داستان
نیز برای درک بیشتر نکته‌های قابل تأمل کوتاه و مختصری
ذکر شده است. امید آنکه با خواندن این داستان‌ها که پاره‌ای
از آن‌ها با چاشنی طنز نیز همراه می‌باشد، مسیر زندگی‌مان
هموارتر، گام‌هایمان استوارتر و تجارب و اندرخته‌های دیگران
روشنگر و راهنمای آینده‌مان باشد.

...ومن الله توفیق

محمد مهدی خسرویان

خردادماه ۹۱